

ناره ها: اسرائیلی‌ها نتانیا‌هو را نمی‌خواهند

داخلی | آرشیو خبر | سیاسی

هتاک‌های جدید رسانه اصلاح‌طلب پس از جسارت به سیدالشهدا
دسته گل جدید «اعتماد» در تطهیر بنی صدر و طاغوتی خواندن
شهیدان بهشتی و باهنر

روزنامه اعتماد با انتشار عکسی دسته جمعی از یاران
انقلاب که بنی صدر نیز در کنار آنان دیده می‌شود، به
بهانه طرح ارزش برادری و برابری، ضمن تطهیر بنی
صدر، در مغالطه‌ای آشکار نظام جمهوری اسلامی ایران
و شهیدان بهشتی و باهنر را به داشتن عادت‌های
طاغوتی متهم کرد.



توصیه به دیگران

چهارشنبه اسفند



به گزارش عصر امروز، روزنامه اعتماد در روز سه شنبه پنجم اسفند ماه، در ویژه نامه هفتگی خود با نام
«کرگدن»، در صفحه‌ای به نام «پنجاه و هفت» یادداشتی با عنوان «انقلاب شده که شرف امکان
بالمکین باشد» منتشر کرده است که دو عکس بهانه نگارش آن شده است.

در این عکس‌ها ابوالحسن بنی صدر - رئیس جمهور لیبرال معزول و فراری - در کنار برخی چهره‌های
شاخص انقلاب مانند شهید آیت الله شهید بهشتی و آیت الله طالقانی، شهید باهنر و آقای هاشمی
رفسنجانی دیده می‌شود. نویسنده با اشاره به این دو عکس به طرح موضوع والای برادری و برابری
می‌پردازد اما در ادامه می‌نویسد: «انقلاب شده است که کوچک و بزرگ، زانو به زانوی هم، مقابل
بنشینند و کار مملکت را راه بیندازند اما عادت‌های طاغوتی اژدهای هفت سری است که هفتاد جان
دارد لاکردار و کارش همین است که در رفاقت‌ها و برادری‌ها زهر بپاشد و مهر را به قهر، برادری را به
سلسله مراتب آزاددهنده و تواضع را به کیش شخصیت بدل کند و راه انداختن کار ملت را به تعویق
بیندازد و شرف امکان بالمکین را تغییر بدهد به باور جاهلانه شرف امکان بالمکین.»

مسیح علینژاد جایزه
یواشکی خود را دریا
آمادگی عربستان برا
علیه ایران!

رییس از عدم انتشار
!

عکس خبری/استقبا
رئیس جمهور!

فائزه هاشمی: بهائیا
انسان‌های بزرگی ه
نگاهی به یک خانواد

دسته گل جدید «اعت
صدر و طاغوتی خواند
بهشتی و باهنر

رای رسانه‌های دانش
قاضی هاشمی صادر

چرا ابتکار دروغ می‌ا

«Antey 2500» یا «M.U»
مقبولند اما این کجا و آن

رهبر اخوان به حبس

استادیوم دورتموند در

اختلاف ساله او با ما
ایران

تحریم اسرائیل توسد
انگلیسی

او با ما می‌تواند برای
جمهور شود؟

اسرائیلی‌ها نتانیا‌هو

هشدار انصارالله به گ
یمن

واکنش حماس به تم

ترکیه در امور داخلی

داعش مسیحی

کلیه حقوق محفوظ به
all rights reserved.

تولید شده توسط نر

سیاسی
نگارخانه
فرهنگ و جامعه
تاریخ و حماسه



نویسنده، در پایان با نگاهی افسوس برانگیز، مهر ختم دوستی و برادری در جمهوری اسلامی را زده و می نویسد: «صندلی و زمین فرقی با هم ندارند. بالا و پایین ارزشی ندارد. آنچه ارزش است این است که در ذیل خورشید تابان می شد دوستانه و برادرانه و مشفقانه زانو به زانوی هم نشست و برای انقلاب تصمیم های مهم گرفت. یاد باد آن روزگاران یاد باد.»



قتل عام قطبی‌ها در لیبی

فریدون مجلسی



چند روز پیش مه‌شاهد حیات مه‌بانگ قتل عام ۱۲ کاکر جوان قطبی بود که به امید نان و بهداشت کار از مصر به لیبی حجرت کرده رفته بودند. در آنجا اسیر به‌کاران داعشی می‌شوند که سر بران را وسیله اعراب و نشاندن قدرت عبود می‌دارند؛ فاجعه‌ای که سر نقرت‌هنگی تاثیر دیگری ندارد و همای به دست اسلام‌گرایان مدعیان می‌باشد.

انقلاب شده که شرف‌المکان بالمکین باشد

یادآوری روزهایی که همه برادرانه کنار هم می‌نشستند تا در مردم را دو اکند

امیراوی



در تاریخ پشیمانه ایران یعنی چهار ماه پیش در یزدانه باصفهان زیر عنوان فرسنگی که از شمال غربی آغاز شد به کعبه می‌نهادند که نوشته بودیم «داعیه سون‌ساز و قبیله‌های قطبی مردم آزاده باغ‌ساز دیوار آزاده‌شناسان در آن کشور به اصلاح جامعه و بر وقع کنده‌شدن و بی‌مسئله پدید آمد. این شیوه فقط در ساختار لاری بلکه در زشت نیز رایج بود و نوع اینکه تفکر و روح‌مدنی در لیبی ریشه عشق نشاندن و فیصله‌سازی بر آن حاکم بود. در حال حاضر فر لیبی گذشته از دولت اصلی مستقر در طرابلس حداقل یک دولت شورشی سلفی موزی وجود دارد. به کدام می‌تواند این وضعیت برای مصر قابل تحمل خواهد بود. به خصوص با وضعیت کنونی در عراق و سوریه به وجود آمده، دولت قطبی مصر که خود مراحل مشابهی را در آن‌ها طی کرده است. این وضعیت می‌تواند به نفع آن کشور تأثیرگذاری در میان لیبی‌ها نیز مستقر است. برای زمانی لیبی و مصر از خطر فریبده سلفی‌ها در آن کشور فریبده قطبی خواهد بود. این کشور هر چند مخالفت‌هایی را در آن کشور بر می‌انگیزد اما از حمایت‌های بین‌المللی و همچنین از حمایت‌های حاکم‌های مصری در داخل آن کشور برخوردار خواهد بود که در آن کشور شیوه‌های سلفی و داعشی در کشور خود هستند. هشدار دولت مصر به سیدهای لیبی را می‌توان نقطه آغاز بیان داعشی دانست. زیرا مصر مطمئن است که سلفی‌ها به آن هشدار قطعی خواهند داد و شیوه دیگری برای خویش نهندشان ضرورت ندارد. در آن زمان مصر هشدارش را داد اما به‌رحال کشور مقتدر که قطب حشداری حشدی می‌باشد تاچهار است آن را از اعتبار بیندازد. با اینکه دید سیاست‌ها به آن هشدار قطعی می‌باشد. داعشی حشدی نیکو و داعیه دیگری برای خویش کردن آن‌ها به کار نبرد. در واقع آن شیوه دیگر برای لیبی که خود مذهبش متزلزل دارد و از نبود سر از سوی افکار انقلابی نیست می‌شود. می‌توانست موجب جلب احساسات ملی و کسب محبوبیت و مقبولیت بی‌شمار در واقع وجود دولت موزی در لیبی، هر دو دولت را بی‌اعتبار کرده و لیبی را با آن همه دولت‌ها در خطر دولت‌های دردمان‌های مانند سلفی قرار داده است. تسل کش قطبان مصری حمایت سلفی نیست بلکه حمایت علیه بشیت توسط داعشی است که مدعی دولت دولت است. تسل نیروی به یاد ندارد که برای کمونیست‌های نوع داعشی بود پول پوت در کف‌صیچ چنگونه مساعدا فرار فر را یعنی بیش از یک میلیون نفر از حمایت آن کشور کوچک سر برده‌اند و کشته‌اند و سرانجام دولت کمونیست و پتیم که تازه نوشته بود با بیرون راندن امریکایی‌ها وحدت کشور را به دست آورد با وجود هزاران گرواری جلاوی جز این نداد که با جیش به کفریح آن علوت داعشی و تفریحی را از کار برده‌ای خود برانید و دفع شد. در آن زمان فطرح پول پوت چنان بود که حتی امریکایی‌ها بی‌اراده‌شدند از پتیم فطرح‌های پیش آن دولت را ناید کردند. پس از سربراندن دست‌جمعی فطرح‌ها به وسیله داعشیان لیبی، دولت مصر با اعلام برای عمومی و اعتراض شدید فطرح‌ها کرد که در پاسخ به آن حمایت «داعش اصل خود را حفظ می‌داند که این سخن به زبان سلفی‌ها یعنی به خود حق می‌باشد که از کشور و ملت خود در مقابل فطرح‌های قطبی فطرح‌های آن نیز می‌باشد. داعشی مصری مواضع داعش را بجز آن کرد. اکنون بی‌نام نا کعبه پیش خواهند رفت. داعشی با عدم اعتراض دولت و بی‌نام بی‌احترامی در برابر حشدی نیکو که مصر را فطرح می‌کند به هیچ‌وجه مهم نیست. همچنان که دولت‌های امریکایی و اروپایی در مواردی که فطرح موزی و حشدی مشخص هم با آنها تزلزل با دست‌های مستقیم در رسید حل مسئله می‌انجامد در آن مورد چون مصر اعتراض موزی و حشدی مشخص با آنها دارد، انتظار می‌رود که لیبی مصر برای نجات خود و لیبی با حمایت گسترده در کشور خواهد بود. به صلح سلاح عمومی و تشکیل دولتی متزلزل در آن کشور فطرح کند و تنها منتظر فطرح بین‌المللی فطرح‌ها بلکه برای به هدایت دادن بیگانگان بغداد تا حشدی کعبه را فطرح کند که فطرح شان در سلاح‌ها فطرح است و کشورشان را به دست فطرح‌ها»



زبون و صندلی فرقی با هم ندارند. قرار بود ما جلا که انقلاب شده با مثل چربی و صندلی نرم و خنک شویم و برین سفت و حاکی را دوست بگیریم. اما اگر بنا به رفتی باشد صندلی‌ها را فراموش کنید. صندلی که باشد، بالا و پائینی هم معنی پیدا می‌کند. بالا و پائینی که مهم شود آنوقت افتار آدم‌ها بسته به صندلی و کرسی و می‌ای می‌شود که باید تصاحبش کند... اما انقلاب شده و هیچ تصاحبی فر کار نیست. بالا و پائین هم در کار نیست. «داعیه» «داعیه» هم فاصله می‌اندازد بین رفقای و از هم دورشان می‌کند. انقلاب کرده که به هم نزدیک شویم و برافزودند هم‌فکر را دوست داشته باشیم. حال مردم با هم برافزودند و برافزودند با خود برافزودند. برافزودند که با برافزودند چه فرقی می‌کند. بالا نشینی با پائین، پائین و بالا نشینی است که دو هزار و پانصد سال است که تکرار می‌شود. حالا که بساط استیلا برچیده شده بالا و پائینی هم رخت برشته، انقلاب شده که در شرف‌المکان بلکه به باشد. انقلاب شده که رفقای برافزودند و رفقای هم می‌باشند. انقلاب شده که رفقای دنیا بشینند و کار مردم را برافزودند. رقم به زبونی هم بشینند و

آن روزگار را یاد باز»

نگارنده متن با بیان این مطلب، ضمن چشم بستن بر حقایق تاریخی، فرار بنی صدر از کشور در شکل و شمایل زنان را ناشی از نگاه طاغوت زده سایر برادران دانسته و تلاش کرده است سوابق سیاه وی را از خیانت در جنگ تحمیلی و حمایت از منافقانی که دستشان به خون هفده هزار شهید ترور آلوده است تا اثبات جاسوس بودن بنی صدر با انتشار اسناد لانه جاسوسی نادیده گرفته و به اصطلاح وی را «غسل تعمید» دهد.

بنی صدر، شرف مکان است!

وی در ادامه فرار بنی صدر را تلویحا ناشی از تبدیل شدن تواضع به کیش شخصیت در افرادی چون شهیدان بهشتی و باهنر می داند و «شرف مکانی» که با حضور بنی صدر پیدا شده بود[!] را از بین رفته دانسته و همه مسؤولانی که پس از بنی صدر روی کار آمده اند را متهم به داشتن باور «شرف المکین بالمکان» کرده است. این در حالی است که چند روز پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری به دلیل عدم کفایت سیاسی توسط نمایندگان مردم در مجلس، شهید بهشتی در انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی، و اندکی پس از فرار بنی صدر هم شهیدان رجایی و باهنر در انفجار ساختمان نخست وزیری به شهادت می رسند.



عادت‌های جاهلی دوره طاغوت را خرق کنند. اصلا انقلاب شله که عادت‌ها خرق شوند... اما این عادت‌ها مقاومتند و دو هزار و پانصد سال در تاریخ و جغرافیا ریشه دوانده‌اند. مگر به همین سادگی می گذارند و می روند تا برادران با هم مهربان باشند و اعتبارات طاغوتی مزاحشان نباشد. انقلاب شده است که کوچک و بزرگ، زانو به زانوی هم، مقابل بنشینند و کار مملکت را راه بیندازند اما عادت‌های طاغوتی از ده‌های هفت‌سری است که هفتاد جان دارد لا کردار، و کارش همین است که در رفاقت‌ها و برادری‌ها زهر پیاشد و مهر را به قهر، برادری را به سلسله مراتب آزاده‌تله و تواضع را به کیش شخصیت بدل کند و راه انداختن کار ملت را به تعویق بیندازد و شرف‌الملکان بل‌مکین را تغییر بدهد به باور جاهلانه شرف‌الملکان بل‌مکین.

صندلی و زمین فرقی با هم ندارند. بالا و پایین هم ارزشی ندارد. آنچه ارزش است این است که در ذیل خورشید تابان ۵۷ می شد که دوستانه و برادرانه و مشفقانه زانو به زانوی هم نشست و برای انقلاب تصمیم‌های مهم گرفت. یاد باد آن روزگاران یاد باد. >>

زمین و صندلی فرقی با هم ندارند. قرار نبوده ما حالا که انقلاب شده با میل چرمی و صندلی نرم دشمن شویم و زمین سفت و خاکی را دوست بگیریم. اما اگر بنا به رفق و همدلی باشد صندلی‌ها مزاحمند. صندلی که باشد، بالا و پایینی هم معنی پیدا می کند. بالا و پایینی که مهم شود آن وقت اعتبار آدم‌ها بسته به صندلی و کرسی و مبلی می شود که باید تصاحبش کنند... اما انقلاب شده و هیچ تصاحبی در کار نیست. بالا و پایین هم در کار نیست. «آقا» و «خاتم» هم فاصله می اندازند بین رفیقان و از هم دورشان می کنند. انقلاب کرده‌ام که به هم نزدیک شویم و برادرانه همدیگر را دوست داشته باشیم. حالا مردم با هم برادرند و برادری با خودش برابری می آورد. برادر که باشی با برادرت چه فرقی می کند بالا بنشین یا پایین. پایین و بالا اعتباری است که دو هزار و پانصد سال استبداد توی سرمان کرده. حالا که بساط استبداد برچیده شله بالا و پایینی هم رخت بریسته. انقلاب شده که «شرف‌الملکان بل‌مکین» باشد. انقلاب شده که رفیقان برادر شده زانو به زانوی هم بی اعتنا به صندلی‌ها و اعتبارات دنیا بنشینند و کار مردم را راه بیندازند. زانو به زانوی هم بنشینند و

اینکه روزنامه اعتماد از میان هزاران عکس موجود در آرشیو رسانه ها برای نمایش برادری مسئولان نظام، عکسهایی را برمیگزیند که بنی صدر در آن حضور دارد و در فضای رسانه ای جمهوری اسلامی فردی را برادر میخواند که کمتر کسی در خیانت او تشکیک به خرج می دهد، بعد به گلایه از کم رنگ شدن برادری و برابری می پردازد و عامل آن را هم اخلاق طاغوت زده شهیدان بهشتی و باهنر و مرحوم طالقانی عنوان می کند، خود گویای انگیزه این روزنامه از انتشار این مطلب است.

علاوه بر «اعتماد» و احساس برادری یک رسانه اصلاح طلب به بنی صدر، در بخش دیگری از توضیح تصاویر، به گونه ای القا می شود که گویا همچنان تفکرات طاغوتی در بین مسئولان نظام جریان دارد و به عبارت ساده تر، نگارنده می خواهد بگوید: هرچند انقلاب شده اما فضا همچنان همان فضای طاغوتی و پیش از انقلاب است.

این مطلب در حالی منتشر می شود که در همین هفته این روزنامه در قالب سؤال خبرنگارش از ابراهیم اصغرزاده، حادثه کربلا را «اسطوره ای رنگباخته» می خواند. خبرنگار روزنامه اعتماد می گوید: «اما این اسطوره ها هم به نظر می رسد رنگ باخته اند و برای نسل امروز آنقدری که شما می گویند اهمیتی ندارند...» و اصغرزاده هم جواب می دهد: «ما به دنبال این سوال نیستیم...»

روزنامه اصلاح طلب: سیدالشهدا(ع) اسطوره ای رنگ باخته است!

روز گذشته سید علاء الدین ظهوریان، دبیر هیأت نظارت بر مطبوعات خبر داده بود که قرار است روز دوشنبه یازدهم اسفند ماه به توهین روزنامه اعتماد در جلسه این هیأت رسیدگی شود. به نظر می رسد این مطلب نیز باید به پرونده این روزنامه اضافه شود.

: جهان

کد مطلب : 109185